

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تاریخ: 90/08/19

**موضوع: قتل عام «اصحاب ردّه»؛ جنایت یا فضیلت برای خلیفه اول؟!؟**

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این سخنرانی:

فرقه وهابیت، فرقه ای تکفیری، به رهبری «ابن تیمیه»!!

قتل عام «اصحاب ردّه»؛ جنایت یا فضیلت برای خلیفه اول؟!؟

جنگ ابوبکر با اصحاب ردّه؛ مخالف صریح قرآن و سنت!!

تماس بینندگان برنامه

آیا کتاب کافی مورد تأیید امام زمان است؟!؟

**مجری:**

نه مراست قدرت آنکه دم زخم از جلال تو یا علی

نه مرا زبان که بیان کنم، صفت کمال تو یا علی

شده مات عقل موحدین، همه در جمال تو یا علی

چو نیافت غیر تو آگهی، ز بیان حال تو یا علی

نبرد به وصف تو ره کسی، مگر از مقال تو یا علی

اللهم صلی علی محمد و آل محمد

سلام عرض می‌کنم خدمت بینندگان عزیز! هر کجای عالم که هستید امیدواریم در صحت و عافیت باشید. بیننده برنامه ما هستید و در میان این همه شبکه‌ها شبکه‌ای را انتخاب می‌کنید که دم از دین و دم از ولایت و دم از مسایل مذهبی می‌زند. این هم نشان از مذهبی بودن شما و توجه شما به مسایل دینی هست.

برنامه‌ای که تقدیم شما عزیزان می‌شود به نام «حبل المتین» هست که در این دهه ولایت که منتسب هست به امیرالمومنین (علیه السلام) و ما در آستانه‌ی عید بزرگ غدیر خم هستیم که سند حقانیت شیعه است و همچنین در آستانه میلاد با سعادت امام هادی (علیه السلام) هستیم که تبریک عرض می‌کنیم. ان شا الله که خداوند به ما و شما توفیق بدهد که پیرو حقیقی این بزرگواران باشیم.

در برنامه‌ای که تقدیم شما عزیزان می‌شود، قصد ما این است که تاریخ اسلام را دوباره بازنگری کنیم و در این واکاوی تاریخی که تقدیم شما عزیزان می‌شود، قصد داریم لایه‌های پنهان تاریخ را که بعضاً با تزویر و دروغ و خرافات هم آمیخته شده است را خدمت شما بیان کنیم.

وقایع و جنایات‌هایی در صدر اسلام اتفاق افتاده که بسیاری از این‌ها منشأ آثار اعتقادی هستند و مسلمان‌ها براساس اینها اعتقاداتشان درست می‌شود لذا باید بررسی شود!

اگر شما بیننده برنامه ما بوده باشید می‌دانید که وقتی مطالب گفته می‌شود و عمده مطالبی هم که گفته می‌شود منشأ اعتقادات می‌تواند قرار بگیرد و لذا ما باید خیلی حریص باشیم که جستجو کنیم این مطالب را؛ عمده مطالب که گفته می‌شود در این برنامه از کتب اهل سنت است و این هم حقانیت مذهب شیعه را می‌رساند که اگر ما حق نیستیم چرا این مطالب در کتب اهل سنت هست!؟

و امیدواریم ان‌شالله که خود شما عزیزان قضاوت کنید. ما نمی‌خواهیم برای شما قضاوت کنیم. خداوند به شما عقل و شعور داده است و مطالبی که گفته می‌شود خودتان ببینید بروید جستجو کنید و امیدواریم که حق برای شما مشخص بشود:

**(قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ)**

بگو برای خدا دلیل رسا (و قاطع) است (بطوری که بهانه‌ای برای هیچکس باقی نمی‌گذارد) اما اگر او بخواهد همه شما را (از طریق اجبار) هدایت می‌کند (ولی چون هدایت اجباری بی‌ثمر است این کار را نمی‌کند).

### سوره انعام (6): آیه 149

حجت بالغه در این عالم مخصوصاً عصر ارتباطات و رسانه‌ها و این همه مطالب برای شما ان‌شالله مشخص خواهد شد. امیدواریم این مطالبی که شما عزیزان از این برنامه استفاده می‌برید و می‌شنوید و می‌بینید بروید و تحقیق کنید و ان‌شالله اعتقادات خودتان را تصحیح بفرمایید.

درخواست می‌کنیم تا پایان برنامه همراه ما باشید. در این دهه ولایت که در محضر استاد عزیز و سرورم حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم سلام و عرض ادب دارم خدمت استاد عزیزم.

### آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته

بنده هم ضمن تقدیم خالصانه ترین سلام خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی در هر کجای این کره خاکی که ما را مهمان کانون گرم خانواده خویش قرار داده اند، فرا رسیدن ایام ولایت امیرالمومنین و ایام غدیر را به همه عزیزان تبریک عرض می‌کنم و خدا را به آبروی صاحب غدیر سوگند می‌دهم عیدی ما را فرج مولایمان بقیه الله الاعظم قرار بدهد ان‌شالله .

### مجری:

ان‌شالله. خیلی ممنون هستیم. حاج آقا اجازه بفرمایید بحث را شروع کنیم. بینندگان عزیز همان طور که خاطر شریف شما عزیزان هست ما برنامه هایمان سلسله مباحثی هست که پیگیری می‌کنیم این مباحث را، که الان چند جلسه گذشته درباره وهابیت و و فتوایی بود که آقایان وهابی و لیدرهای وهابی مثل «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» می‌دادند از حضرت استاد پرسیدیم و سوالات ما را پاسخ دادند.

## فرقه وهابیت، فرقه ای تکفیری، به رهبری «ابن تیمیه»!!

سوالی که حالا باید در ادامه این مباحث داشته باشیم خدمت استاد این است که آیا «ابن تیمیه» رسماً فتوا به قتل شیعه داده یا نه؟ این را لطف کنید برای بینندگان عزیزمان بیان بکنید.

### آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین وهو خیر ناصر ومعین. الحمد لله والصلاة علی رسول الله وعلی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله واللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله. الی یوم لقاء الله. أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ

همانطوری که در جلسات گذشته هم اشاره کردیم در برخی از شبکه های متعلق به وهابیون، همواره شعار می دهند که ما کسی را تکفیر نمی کنیم، فتوا به قتل کسی صادر نمی کنیم و ما از این قضایا مبرا هستیم.

عرض کردیم به قول معروف یک ضرب المثلی هست که می گویند دم خروس یا قسم حضرت عباس. اولاً امروز در هر کجا انفجار یا انتحاری به نام اسلام صورت می گیرد، رد پای وهابیت آنجاست و به نام اسلام و به نام قرآن این مسایل را مرتکب می شوند.

و امروز یکی از بزرگترین موانع گسترش اسلام در عصر حاضر همین خشونت وهابی هاست که اسلام را یک دین خشن، یک دین تند، یک دین آدم کش معرفی می کنند و این خشونت این ها هم برخواسته از آن مبانی اعتقادی و فکری آن هاست. این مبانی اعتقادی و فکری را هم از بزرگ نظریه پردازشان گرفته اند.

مثل «ابن تیمیه حرانی»، «محمد بن عبدالوهاب»، و مفتی های تندرو عربستان سعودی مثل «بن باز»، مثل «بن جبرین»، و امثال اینها. شما اگر کتاب های «ابن تیمیه» را مراجعه کنید خواهید دید که مملو از فتوا به قتل شیعه هست.

ما در یکی از جلساتمان گفتیم بر این که «ابن تیمیه» با صراحت می نویسد کشتن شیعه به مراتب سزاوارتر از کشتن خوارج است:

«أنهم شر من عامة أهل الأهواء وأحق بالقتال من الخوارج»

کتاب ورسائل وفتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تیمیة الحراني أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي؛ ج 28، ص 482

بعد می گوید که تنها فرقه ای که امروز ضد اهل سنت است همین رافضی ها و شیعه ها هستند. البته ما این را قبول داریم، ما ضد وهابیت هستیم ولی ضد اهل سنت نیستیم.

این فتوای فقهای ما در گذشته و حاضر و این برخوردی «شبه جهانی ولایت» به عنوان اولین شبکه برخاسته از حوزه علمیه قم و تحت اشراف یک مرجع بزرگوار و با حضور کارشناسان توانمند و نخبگان حوزه! ما بارها اعلام کردیم بر این که هر گونه اهانت به اهل سنت را گناهی بزرگ می دانیم. اهانت به مقدسات اهل سنت را خلاف دستور قرآن، خلاف دستور ائمه و خلاف دستور مراجع عظام تقلیدمان می دانیم.

از افرادی که دارند با تندی و با اهانت به مقدسات اهل سنت برخورد می کنند، از آنها برائت جسته ایم و خودمان را از آنها مبرا می دانیم و مراجع ما آنها را دیوانه معرفی می کنند و در این سه چهار سال اخیر هم آقایان دیدند که موضعگیری مراجع ما درباره اهل سنت چه بوده!

حالا آقایان وهابی ها راست می روند خودشان را می چسباند به اهل سنت؛ چپ می روند می چسباند به اهل سنت. ما مطلقاً وهابیت را اهل سنت نمی دانیم، بلکه ضد اهل سنت می دانیم.

خود جناب «دکتر احمد الطیب» شیخ الازهر، بزرگترین شخصیت مصر، حتی «دکتر علی جمعه» هم همین طور این ها رسماً اعلام کردند که سلفیت جدید همان خوارج هستند و هیچ تفاوتی ندارند. اینها خودشان را می خواهند بچسباند به اهل سنت.

ما فقط گلایمان از بعضی اهل سنت داخل کشور است؛ به ویژه در شرق ایران که تاکنون هیچ گونه برائتی از این کشت و کشتار و یا وهابیت نداشتند و از مبانی تکفیری و وهابیت برائت نجسته اند و چه بسا همکاری هم داشته اند!!

در این شبکه های وهابی ما می بینیم برنامه های این تکفیری ها، و فیلمهای اینها را دارند پخش می کنند. قطعاً بدون هماهنگی نیست و اگر واقعاً راست می گویند همان طور که ما بارها در بعضی از شبکه های شیعی که مورد تأیید ما نبود، برنامه ما را پخش کردند، ما اعتراض کردیم و گفتیم اگر پخش کنند رسماً پیگیری قضایی می کنیم.

لذا اگر اینها واقعاً راست می گویند و مبرا هستند، بیایند به میدان و رسماً برائتشان را اعلام کنند. مخصوصاً که در یکی دو هفته اخیر در این شبکه وهابی «کلمه»، دیگر اینها بی حیایی و وقاحت را از حد گذراندند.

هم وارد بحث های سیاسی شدند و هم نسبت به مقدسات شیعه بدترین اهانت ها و جسارت ها را کردند. ما بخشی از اینها را در هفته گذشته برای بینندگان عزیزمان پخش کردیم. البته اینها هم از تفضلات الهی است و از الطاف خفیه خداست که آنها آن ماهیت پلید خودشان را نشان بدهند.

اینها دیگر وقاحت را به کجا بردند؟ البته ما راضی نیستیم اینها خودشان را به گناه و معصیت آلوده کنند. ولی در کوزه همان تراود که در اوست. اینها آن ماهیتشان را الحمدالله در یکی دو هفته اخیر کاملاً نشان دادند.

نمی دانم درنده، چرنده، یکی سری از این افرادی که زینده آن لات های خیابان است ارادل و اوباش پایین شهر است، نه یک عالم و در شأن یک روحانی و نه یک شبکه دینی و مذهبی، آن وقت از او تعبیر می کنند به «عالم جلیل قدر جهان اسلام»!!

اگر واقعا این هست باید سخن آقا امام حسین (سلام الله علیه) را گفت که فرمود:

**«وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بَلَّيْتَ الْأُمَّةَ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدٍ»**

بحار الأنوار (ط- بيروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار إحياء التراث

العربي، بيروت، 1403 ق؛ ج 44، ص 326

اگر دوستان عزیز، تصویر مانیتور من را بدهند به آنتن ممنون می شوم که عزیزان ما حداقل یک تکه از عبارت آقای ابن تیمیه را ببینند. ایشان وقتی که می آید نسبت به شیعه می رسد صراحتاً می گوید: اگر چنانچه کسی بخواهد نسبت به شیعه موضعگیری کند و بگوید آقا اینها همان افرادی هستند که در برابر امیرالمومنین قیام کرده بودند مثل خوارج؛ نه، این ها بدتر از آنها هستند!!

و حتی کسی بیاید بگوید شاید شیعه که در برابر اسلام ایستاده مثل اهل جمل و صفین هستند که تأویل کرده اند و اجتهاد کردند؛ می گوید این هم اشتباه است و حرف غلطی هست بعد می گوید:

«وإنما هم خارجون عن نفس شريعة رسول الله وسنته شرا من خروج الخوارج الحروية وليس لهم تأويل سائغ فإن التأويل السائغ هو الجائز الذي يقر صاحبه عليه إذا لم يكن فيه جواب كتأويل العلماء المتنازعين في موارد الإجتهد وهؤلاء ليس لهم ذلك بالكتاب والسنة والإجماع»

می گوید: شیعه از اسلام خارج شده و از شریعت پیامبر بیرون رفته و لذا بدتر از خروج خوارج نهروان هستند و ما به هیچ وجهی ارزشی برای اجتهاد و تأویلشان قایل نیستیم. بعد جالب اینجاست بینندگان عزیز دقت کنند ایشان می گوید:

«ولكن لهم تأويل من جنس تأويل مانعى الزكاة والخوارج واليهود والنصارى وتأويلهم شر تأويلات أهل الأهواء»

کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم

العاصمي النجدي؛ ج 28، ص 486

می گوید: الان شیعه اگر اجتهاد و تأویلی دارد، اجتهاد اینها مانند اجتهاد افراد رده است که مانع زکات بودند. مثل خوارج و یهود و نصاری. بلکه تأویلات و اجتهادات شیعه بدترین تأویلات اهل الاهواء هست!!

یعنی همان طور که در صدر اسلام، ابوبکر دستور قتل اصحاب رده را داد، امروز ایشان با این فتوا دارد فتوای قتل شیعه را صادر می کند!!

این عبارت هایی که آقای ابن تیمیه دارد مطرح می کند این دیگر فتوای قتل صریح است. دیگر از این صریح تر گمان نکنم باشد. این آقایان می گویند اگر کسی یک جا بیاورد که ما نسبت به دیگران فتوای قتل صادر کردیم دویست و هفتاد میلیارد دلار جایزه می دهیم!!

به قولی مثل کسی که می گفت ما می خواهیم مادرمان را بفروشیم! ننه مان را بفروشیم! گفت: ننه را که نمی شود فروخت. گفت: ما قیمتی می گوئیم که هیچ کس نتواند بیاید بخرد! خوب این آقا هم یک جایزه ای را معین می کند که قطعاً همه می دانند که همچین امکانی ندارند مگر این که به قول معروف چاه های نفت عربستان از داخل استودیو این ها فواره بزنند!!

من در خدمت جناب آقای محسنی بزرگوار هستم.

**مجری:**

حاج آقا اشاره ای به «اصحاب رده» کردید. قبلاً هم که بحث شد حضرتعالی قول دادید که برای بینندگان عزیزمان مفصل بیان بفرماید.

حالا می خواستیم سوال کنیم که «اصحاب رده» کی بودند؟ آیا این ها واقعا با ابوبکر جنگیدند و یا مرتد شدند و از دین خارج شدند که اینجور مورد هجوم قرار گرفتند و کشته شدند و آن جنایت ها در موردشان اتفاق افتاد!؟



## قتل عام «اصحاب رده»؛ جنایت یا فضیلت برای خلیفه اول؟!

آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با اصحاب رده سخن خیلی زیاد هست. در یکی از همین شبکه ها بحث اصحاب رده را به عنوان یک فضیلتی برای جناب ابوبکر مطرح کردند!!

حتی آماده اند «حدیث حوض» را تطبیق دادند به «اصحاب رده» که پیغمبر اکرم می گوید تعدادی از اصحاب من وارد آتش جهنم می شوند، مراد همان اصحاب رده هستند که به شمشیر آقای ابوبکر کشته شدند!!

عزیزان اگر تصویر مانیتور من را بدهند به آنتن ممنون می شوم. ببینید این دیگر «صحیح بخاری» هست دوستان دارند در سراسر جهان می بینند. چشم بندی هم نمی خواهیم بکنیم، دروغ هم نمی خواهیم بگوییم!

جدیداً یکی از کارشناسان وهابی به بینندگانش اعلام کرده که هر کس از فلانی دروغی برای ما ارسال کند، ده هزار تومان جایزه می دهیم!!

پس معلوم شده این آقا همان طور که گفتم پشت ویرانه های سقیفه آدم مفلسی است و المفلس فی امان الله!! به جای اینکه بگوید بده در راه خدا و در راه خدا به ما کمک کنید، بگوید بیاید دروغ های فلانی را در راه خدا جمع کنید!!

جناب آقای حیدری این را هم بداند ما برای ایشان خیلی ارزش قائل شدیم که حاضر به مناظره شدیم وگر نه خیلی از دوستان بارها اعلام کردند که شما را عددی حسابی نمی کنیم که اصلاً برای خودمان هم کسر شأن می دانیم و هم آن ها را آدم حساب نمی کنیم که بخواهیم مناظره کنیم.

حالا دیگران حضرتعالی را منتعان کرده اند یا چیز دیگری هست، ما کاری به آن نداریم! ولی ما این را می دانیم که هم خود جنابعالی و هم دیگر دوستانتان می دانید لحظات اول مناظرات، لحظات رسوایی شما

هست. چون حرفی برای زدن ندارید غیر از تند، غیر از اهانت، غیر از ناسزا گفتن! ما نمونه هایی از برنامه های شما را ضبط کردیم و این جا پخش کردیم.

دوستان ببینند این کتاب «صحيح بخاری» هست و چشم بندی هم نیست! دروغ هم نیست! این آقای «هاشمی» تا این اندازه وقاحت را بالا می برد که می گوید اینها کتاب صحيح بخاری را به مردم نشان می دهند ولی داخل کتاب یک چیزهایی است که در ایران چاپ کرده اند و داخل کتاب گذاشته اند و این را دارند می خوانند!!

خوب آدم خوش انصاف! یکی از این ها را بیار به آنتن بده و این کلیپ ما را پخش کن بگو آقا فلانی و یا دوستان دیگرشان آمدند از صحيح بخاری نقل کردند این صفحه و این روایت در صحيح بخاری نیست!! همانطور که ما داریم هر روز کلیپ پخش می کنیم و کوس رسوایی شما، شرق و غرب عالم را فرا گرفته است!

شما بیایید یک مورد بگویید آقا این روایت که از صحيح بخاری نقل کرده اند در صحيح بخاری نیست. یک مورد برای ما بیاورید که ما اینجا یک کلیپی پخش کردیم یک استنادی به کتاب های شما کردیم ولی در فلان کتاب نبود!

حالا چاپ ها فرق می کند ما منکر این نیستیم؛ چاپ و صفحات کتاب فرق می کند. ما همان روز سر بحث خارجمان در رابطه با قضیه حدیث غدیر من گفتم «البدایه و النهایه»، جلد 5 صفحه 240؛ یکی از رفقای خودمان گفت فلانی! صفحه 229 است. گفتم: چاپی که ما داریم این صفحه است. گفت در چاپی که در مکتبه اهل بیت است، صفحه 229 است. حالا یک ده صفحه جلو و عقب شدن این دروغ نیست؛ اختلاف چاپ کتاب است.

ولی شما بیاید یک مورد دروغ از ما بگیرید ما دست شما را می بوسیم. اگر شما می گوئید ما ده هزار تومان جایزه می دهیم، ما اضافه می کنیم اگر کسی بیاید یک اشتباه از ما بگیرد ما پنجاه هزار تومان به او جایزه می دهیم!!

الان یک سال و نیم است که داریم می‌گوییم اگر کسی بیاید بگوید شما آدرسی که اعلام کردید این آدرس نیست، ما جایزه می‌دهیم.

آقای هاشمی چند روز قبل می‌گفت: آقای قزوینی تند تند می‌گوید جلد فلان، صفحه فلان، ما می‌رویم می‌بینیم هست ولی اول حدیث را آورده آخر حدیث را ذکر نکرده است!!

خب آدم خوش انصاف! آدم با وجدان! شما بفرمایید همان کلیپ ما را پخش کنید بگوئید اول حدیث این بوده است ایشان نیاورده؛ ذیل حدیث این بوده است ولی ایشان نیاورده است. اگر ما دیدیم واقعاً درست می‌فرمائید، ما اصلاح می‌کنیم. ما اینقدر شجاعت و شهامت داریم برادر عزیزم!

حالا عزیزانمان مانیتور من را محبت کنند. این در رابطه با «اصحاب رده» هست. این دیگر روایت «صحیح بخاری» است حدیث 1335 البته از نرم افزار «الجامع الکبیر» ساخت برادران اهل سنت است.

«لَمَّا تُوفِّيَ رَسُولَ اللَّهِ وَكَانَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَكَفَرَ مِنْ كَفَرٍ مِنَ الْعَرَبِ فَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَيْفَ تُقَاتِلُ النَّاسَ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَمَنْ قَالَهَا فَقَدْ عَصَمَ مِنِّي مَالَهُ وَنَفْسَهُ إِلَّا بِحَقِّهِ وَحِسَابِهِ عَلَى اللَّهِ فَقَالَ وَاللَّهِ لَأُقَاتِلَنَّ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الصَّلَاةِ وَالرَّكَاةِ فَإِنَّ الرَّكَاةَ حَقُّ الْمَالِ وَاللَّهُ لَوْ مَنَعُونِي عَنَّا كَانُوا يُؤَدُّونَهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ لَقَاتَلْتُهُمْ عَلَى مَنَعِهَا»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر:

دار ابن کثیر الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا؛ ج2،

ص 507، ح 1335

این نرم افزار هم آک هست که حتی یک کلمه و حتی یک حرف نمی‌شود در داخل این تصرف کرد. حالا این آقایان از «مکتبه شامله» نمایش می‌دهند ولی مکتبه شامله باز است و هر تغییری می‌توان در آن کرد. اگر بنا باشد اعتراض کنیم، ما باید اعتراض کنیم!!

علی ای حال، شما ببینید این کل حدیث «اصحاب رده» است که می گوید این ها مرتد شدند. من یک مقدار با دقت کلمه به کلمه می خوانم و همینجا تحلیل می کنم. ببینید که واقعا این «اصحاب رده» که این آقایان از آن چماقی ساخته اند و یک حربه ای ساخته اند و وسیله توجیهی ساخته اند، ببینید واقعا درست است یا درست نیست!؟

ما خواهش داریم بینندگانشان یا کارشناسانشان اگر هیچ کدام از برنامه های ما را نمی خواهند جواب بدهند و یا تحلیل کنند همین تحلیلی که ما نسبت به همین حدیث داریم، بزرگواری کنند، آقایی کنند، و منت بگذارند یک توجیهی بکنند و یک جوابی بدهند!!

«ابوهریره» نقل می کند: پیامبر اکرم که از دنیا رفت و ابوبکر سر کار آمد، تعدادی از عرب کافر شدند! نمی گوید مرتد شدند، می گوید کافر شدند! و جناب ابوبکر دستور قتل اینها را صادر کرد، «عمر بن خطاب» برگشت و گفت:

«كَيْفَ تُقَاتِلُ النَّاسَ»

چگونه داری دستور قتل مردم را صادر می کنی؟

«وقد قال رسول الله: أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

با این که پیغمبر فرمود من مأمورم با مردم جنگ کنم تا وقتی که لا اله الا الله بگویند.

«فَمَنْ قَالَهَا فَقَدْ عَصَمَ مِنِّْي مَالَهُ وَنَفْسَهُ إِلَّا بِحَقِّهِ وَحِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ»

و هر کس لا اله الا الله گفت مال و جانش در امان است.

مگر یک مواردی که مثلا کسی قتل نفسی انجام بدهد، یا فرض بفرمائید زنا محصنه انجام بدهد که حسابش جداست. این عبارت «إِلَّا بِحَقِّهِ» اشاره به این است.

خب شما ببینید جناب عمر می گوید آقا! این دستور قتل تو، خلاف سنت پیغمبر است! خلاف سیره پیغمبر است! ولی آقای ابوبکر گفت:

«وَاللَّهِ لَأُقَاتِلَنَّ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ»

به خدا سوگند می کشم هر کسی را که بین نماز و زکات فرق بگذارد.

یعنی اگر کسی نماز بخواند ولی زکات ندهد، اینها را می کشم. پس معلوم است اینها کافر نیستند، نماز می خوانند، اهل عبادتند، اهل نمازند، بعد می گوید:

«فَإِنَّ الزَّكَاةَ حَقُّ الْمَالِ»

زکات حق المال است

در ادامه جناب خلیفه در عبارت تندی می گوید:

«وَاللَّهِ لَوْ مَنَعُونِي عَنَّا كَانُوا يُؤَدُّونَهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ لَقَاتَلْتُهُمْ عَلَى مَنَعِهَا»

به خدا قسم اگر به اندازه عقالی از زکات که به پیامبر می دادند، به من ندهند، آنها را خواهم کشت.

از این عبارت «وَاللَّهِ لَوْ مَنَعُونِي» معلوم است که اینها منکر زکات نیستند، فقط به ابوبکر نمی خواهند زکات بدهند. مثل همان عبارت «مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ» که نشان می دهد اینها نماز می خوانند و کافر نیستند!

پس یقیناً اینها قبلاً به پیغمبر زکات می دادند پس منکر رسالت هم نیستند. زمان پیغمبر زکات می دادند و پیغمبر را هم قبول دارند.

می گوید اگر کسی نماز بخواند ولی زکاتش را به من ندهد و آن زکاتی را که به پیامبر می داده به من ندهد، «لَقَاتَلْتُهُمْ عَلَى مَنَعِهَا!» با این ها می جنگم به خاطر این که ممانعت می کنند و به من زکات نمی دهند.

جناب عمر می گوید:

«فَوَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا أَنْ قَدْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَعَرَفْتُ أَنَّهُ الْحَقُّ»

دیدم ایشان سینه شان ماشالله ماشالله خیلی باز است خداوند عالم سینه ایشان را خیلی گسترده کرده است و سعه صدری به آقای ابوبکر داده است از این که دستور قتل صادر کند!!

حالا ما نمی دانیم «شرح الله صدر ابی بکر» معنایش چی هست؟ بنده نفهمیدم! خیلی با صراحت عرض می کنم با این توضیحی که خود ابوبکر می گوید اینها نماز می خوانند، زکات نمی دهند، یعنی زکات به من نمی دهند در حالی که زمان پیغمبر به پیغمبر زکات می دادند!

این سه تا دلیل و قرینه بزرگ است، مثل کوه احد بر این که اینها مسلمان هستند. ولی شما ببینید با اینها چکار باید کرد؟ آیا واقعا همان گونه که آقایان می گویند این ها مرتد شدند؟!

آقایان می گویند اینها کافر شدند! آیا الحق و الانصاف اینها کافر شدند؟! آیا همین عبارتی که در «صحیح بخاری» آمده دلالت دارد بر کفر این آقایان!؟

والله ما که نفهمیدیم! حالا اگر چنانچه دوستان در این زمینه اطلاعات بیشتری داشتند بزرگواری کنند برای ما ارسال کنند ما از محضرشان استفاده کنیم. ما که به قولی بخیل نیستیم که یک مسئله ای برای ما ثابت بشود و آن مسئله را خدایی نکرده بخواهیم به نمایش نگذاریم.

باز اگر اتاق فرمان مانیتور من را زحمت بکشند بدهند به آنتن، این دیگر عبارت آقای «ابن کثیر دمشقی» هست. آقای ابن کثیر دمشقی سلفی (متوفی 774) می گوید:

«وجعلت وفود العرب تقدم المدينة يقرون بالصلاة ويمتنعون من أداء الزكاة ومنهم من امتنع من دفعها إلى الصديق وذكر أن منهم من احتج بقوله تعالى (خذ من أموالهم صدقة تطهرهم وتزكهم بها وصل عليهم إن صلاتك سكن لهم) قالوا فلسنا ندفع زكاتنا إلا إلى من صلاته سكن لنا»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف

- بيروت؛ ج 6، ص 311

می گوید: تعدادی از مردم و مسلمان ها آمدند مدینه که «يقرون بالصلاة» نماز را قبول دارند «ویمتنعون من أداء الزكاة» از پرداخت زکات ممانعت می کنند. «ومنهم من امتنع من دفعها إلى الصديق» بعضی ها می گویند ما زکات می دهیم ولی به ابوبکر زکات نمی دهیم!

بعد می گوید که برخی از صحابه در این زمینه به آیه قرآن احتجاج کردند:

«وذكر أن منهم من احتج بقوله تعالى (خذ من أموالهم صدقة تطهرهم وتزكّهم بها وصل عليهم إن صلاتك سكن لهم)»

اینها به این فرمایش خدا استدلال می کردند که فرمود:

(خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)

از اموال آنها صدقه‌ای (زکات) بگیر تا به وسیله آن آنها را پاک سازی و پرورش دهی، و به آنها (هنگام گرفتن زکات) دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنها است و خداوند شنوا و دانا است.

سوره توبه (9): آیه 103

اینها می گفتند ما زکات به پیغمبر می دادیم، پیغمبر برای ما درود می فرستاد، درود پیغمبر آرامبخش بود؛ ولی ما زکات نمی دهیم به ابوبکری که درود او برای ما آرامبخش نیست! یعنی می گویند ما ابوبکر را قبول نداریم و درود و صلاه این آقا را قبول نداریم.

این دیگر کاملاً واضح و روشن است که قضیه «اصحاب رده» ای که حضرات آورده اند اینها در حقیقت یک وسیله ای بود برای این که یک پوششی بگذارند و یک برچسب ناچسبی بزنند برای کشتن تعدادی از مسلمانهایی که بنای مخالفت با آقای ابوبکر داشتند و حاضر نبودند به او مالیات بدهند و حاضر نبودند زکات بدهند.

ما از آقایان سوال می کنیم، از مفتی اعظم عربستان سعودی سوال می کنیم، از این کارشناس ها سوال می کنیم: اگر چنانچه یک نفر امروز حاضر نشود زکاتش را به حاکم اسلامی بدهد، مثلاً در عربستان سعودی می گوید آقا! من به آقای «ملک عبدالله» زکات نمی دهم؛ در «اردن» بگوید به آقای «ملک حسین» زکات نمی دهم، آیا حاضرید حکم قتل او را به استناد همین روایت و همین سیره آقای ابوبکر صادر کنید یا نه؟! امروز اگر کسی بخواهد به حاکم اسلامی زکات ندهد، آیا اینها می توانند حکم قتلشان را صادر کنند به استناد همین روایاتی که درباره اصحاب رده آمده است؟! قطعاً اینها نمی توانند! اگر قبول دارند باید شهادت داشته باشند و فتوا صادر کنند!!

**مجری:**

حاج آقا همین سوالی که می خواهم بپرسم پیرامون بحث حضرتعالی است. توضیحی درباره کشت و کشتاری که آقایان داشتند به خاطر مخالفتشان با ابوبکر؛ می خواستم بینم این کشت و کشتار را از منظر قرآن و سنت چطور ارزیابی می کنید؟ آیا اینها مصداق قرآنی دارد؟

امشب به خاطر مشکلاتی که هست و حضرتعالی اطلاع دارید می خواهیم برنامه را زود تمام کنیم. ده دقیقه از شما سؤال می پرسیم و بعد تلفن ها که بخش پایانی بحث ها باشد.

**جنگ ابوبکر با اصحاب رده؛ مخالف صریح قرآن و سنت!!**

**آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

این که این قضیه جنگ با «اصحاب رده» و کشتن مسلمان ها آیا از نظر قرآن و سنت چگونه هست؛ من به آیه 94 سوره نساء اشاره می کند. خداوند عالم می فرماید:

**(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبَتُّغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا)**



ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که در راه خدا گام بر می‌دارید (و به سفری برای جهاد می‌روید) تحقیق کنید و به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگوئید مسلمان نیستی بخاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنائمی) بدست آورید.

### سوره نساء (4): آیه 94

یعنی بگویی آقا تو مومن نیستی بعد برداری طرف را بکشی و اموال او را هم به عنوان غنیمت تصرف کنی. این آیه خیلی واضح و روشن است.

جناب «سیوطی» در «الدرالمنثور» از بزار، دارقطنی و طبرانی و دیگران نقل می‌کند که اصلاً شأن نزول این آیه این بود که آقای «مقداد بن اسود» در یکی از جنگ‌ها که پیغمبر فرستاده بود حضور داشت و با مشرکین می‌جنگید، تا این که یک فردی آمد و دارای اموال زیادی بود گفت:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَأَهْوَى إِلَيْهِ الْمِقْدَادُ فَقَتَلَهُ»

بعد از این که او «لا اله الا الله» را گفت، مقداد گردن او را زد. ظاهر قضیه هم این هست که «له مال کثیر» نشان می‌دهد که «مقداد» به خاطر تصرف در اموال او بود که او را کشت. یکی از اصحاب برگشت و گفت:

«قَتَلْتُ رَجُلًا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

کسی که شهادت به وحدانیت خدا داد را تو کشتی؟! می‌روم به پیغمبر خبر می‌دهم. آمدند خدمت رسول الله، پیغمبر فرمود: «مقداد» را احضار کنید. وقتی آمد پیغمبر فرمود:

«يَا مِقْدَادُ قَتَلْتُ رَجُلًا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَكَيْفَ لَكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَاً»

یک مردی که لا اله الا الله را گفت کشتی. جواب لا اله الا الله را فردای قیامت چطور می‌خواهی  
بدهی

«فَأَنْزَلَ اللَّهُ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)»

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر- بيروت

– 1993؛ ج2، ص 633

آقایان مراجعه کنند «درالمنثور سیوطی» ج2، ص633؛ «تفسیر ابن کثیر دمشقی» ج1، ص552، «زاد المسیر این جوزی»، ج2، ص174، «مجمع الزوائد هیثمی» ج7، ص9؛ این از نظر قرآن.

پس این آقایان که می گفتند ما مسلمانیم، نماز می خوانیم، زکات هم می دهیم ولی زکات به ابوبکر نمی دهیم، قتال «ابوبکر» با اینها مخالف این آیه است.

اما از نظر سنت؛ شما ببیند در خود «صحیح بخاری» شاید من در ذهنم باشد هفده، هجده روایت آورده اند که پیغمبر اکرم فرمود:

«أَمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

من مامورم با مردم بجنگم تا آن لحظه ای که بگویند لا اله الا الله

«فَإِذَا قَالُوهَا وَصَلُّوهَا صَلَاتِنَا وَاسْتَقْبَلُوهَا قَبْلَتَنَا وَذَبَحُوا ذَبِيحَتَنَا فَقَدْ حَرَمَتْ عَلَيْنَا دِمَاؤَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ»

وقتی لا اله الا الله گفتند و مثل ما نماز خواندند و مثل ما به طرف قبله ایستادند و ذبیحشان هم مثل مال ما بود، هم خونشان و هم مالشان محترم است.

پیغمبر سه تا شرط آورده است: یک نماز بخواند، دوم اینکه نمازشان را به طرف قبله ما بخوانند نه به قبله دیگران و سوم ذبیحه شان هم مثل ذبیحه ما باشد. در اینصورت:

فَقَدْ حَرَمَتْ عَلَيْنَا دِمَاؤَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ

اینها هم خونشان و هم مالشان محترم است.

«إِلَّا بِحَقِّهَا»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر:  
دار ابن كثير اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا؛ ج1،  
ص 153، ح 385

که «إِلَّا بِحَقِّهَا» را توضیح داده ام که یعنی مگر یک کسی در جامعه مرتکب قتلی بشود که حکم قصاص دارد و با گفتن شهادتین، حکم قصاص قتل، از او برداشته نمی شود.

«صحيح بخارى» را آقایان ببینند ج1، ص 153، حدیث شماره 385 کتاب الصلاة، باب فضل استقبال القبلة. این روایت در جای جای «صحيح بخارى» و «صحيح مسلم» هم آمده است.

باز در همان جلد و صفحه از نبی مکرم نقل می کند که فرموده است که هر کس لا اله الا الله بگوید و به طرف قبله بایستند و نماز بخواند او مسلمان است و هر چیز که به نفع مسلمان هاست به نفع این آقا هم هست. به ضرر مسلمان هاست به ضرر این آقا هم هست:

«من شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَقْبَلَ قِبْلَتَنَا وَصَلَّى صَلَاتَنَا وَأَكَلَ ذَبِيحَتَنَا فَهُوَ الْمُسْلِمُ لَهُ مَا لِلْمُسْلِمِ  
وَعَلَيْهِ مَا عَلَى الْمُسْلِمِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر:  
دار ابن كثير اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا؛ ج1،  
ص 153، ح 385

این در حقیقت خلاصه ای از این داستان قتل و کشتار «اصحاب رده» توسط خلیفه اول جناب ابوبکر بود که عرض شد با قرآن و سنت کاملاً در تضاد است.

مجری:

حاج آقا جنایت «خالد بن ولید» با «مالک بن نویره» هم از همین قسم است.

## آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

اگر در آخر فرصتی شد، من در رابطه با «خالد بن ولید» و خیانتش به «مالک بن نویره» مفصل صحبت می‌کنم. این بازیچه ای بود که درآوردند. خود «عمر بن خطاب» برگشت و گفت که ابوبکر! این آقای خالد رفته زنا کرده، زنا محصنه هم کرده است و یک آدم بی گناهی را کشته تو او را حد بزنی! گفت: نمی‌زنم! گفت: او را از فرماندهی عزل کن! گفت: من عزل نمی‌کنم!!

«فقال عمر بن الخطاب لأبي بكر يا خليفة رسول الله إن خالدًا قتل رجلاً مسلماً وتزوج امرأته من يومها فكتب أبو بكر إلى خالد فأشخصه فقال يا خليفة رسول الله إني تأولت وأصبت وأخطأت»

تاریخ اليعقوبي، اسم المؤلف: أحمد بن أبي يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح اليعقوبي، دار النشر: دار صادر - بيروت؛ ج2، ص 132

خود عمر برگشت گفت:

«أرثاء قتلت امرأة مسلماً ثم نزوت على امرأته والله لأرجمنك بأحجارك»

به خدا سوگند روزی به تو دسترسی پیدا کنم سنگسار می‌کنم.

تاریخ الطبري، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت؛ ج2، ص 274

البته آن روز هم رسید و کاری با او نکرد. فقط تنها کاری که کرد عزلش کرد. تنها و اولین کسی که خلیفه دوم از فرماندهی عزل کرد، «خالد بن ولید» بود!!

مجری:

حاج آقا خیلی ممنونیم. اگر اجازه بفرمایید یک میان برنامه ببینیم برگردیم و ان شاء الله صدای گرم شما عزیزان را بشنویم.

## تماس بینندگان برنامه:

خیلی ممنون هستیم تا این لحظه همراه ما هستید. در این قسمت صدای گرم شما عزیزان را خواهیم شنید. جناب آقای صادقی سلام شب شما بخیر بفرمائید!

**بیننده (آقای صادقی - شیعه):**

سلام علیکم خسته نباشید. خدمت شما و خدمت حاج آقای قزوینی. یک سوال داشتم می خواستم بپرسم که نظر حاج آقای قزوینی راجع به این آقای «شیخ یاسر الحیب» چیست؟

و راجع به کتابی که ایشان نوشته اند درباره عایشه؛ اگر مورد تأیید است بگویند مورد تأیید است یا اگر مورد تأیید نیست، بگویند چرا پس کسی بر این کتاب ردی نمی نویسد؟ چون این جا یک مقداری بحث شد با رفقا می خواستم جوابش را بگیرم.

**آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

من همین جا عرض کنم برادر بزرگوار! نسبت به این آقا، مراجع ما موضع گرفتند و او را دیوانه خواندند. این را آدم فاسق خواندند و این کتابش کتاب مردود است.

چاپ همچین کتابی حرام است! نشر همچین کتابی حرام است! حتی جواب نوشتن برای این کتاب هم ارزش ندارد! یعنی یک سری مطالب نادرستی این آقا آورده که اصلا ارزش جواب دادن هم ندارد.

**مجری:**

ان شالله دوست عزیز پاسخ را شنیده باشد. بیننده بعدی پشت خط هستند.

**بیننده (آقا فرهاد - اهل سنت):**

سلام علیکم. شب شما بخیر. خوبید آقای محسنی؟ من فرهاد هستم از کردستان. امیدوارم تن و بدن شما و آیت الله قزوینی نیازمند ناز طیبیان نباد.

## آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

و همچنین شما برادر عزیز!

### بیننده:

خیلی ممنون سلامت باشید. ببینید آقای محسنی عزیز! به نظر بنده این آقای بزرگواری که مجری آن شبکه هستند به اسم آقای هاشمی، به نظر بنده وجدان خیلی پاکی دارند. یعنی به این معنی که اصلاً از وجدانشان استفاده نمی کنند!!

بنده آن هفته هم زنگ زدم خیلی دل پری از ایشان داشتم، خواستم اظهار نظر هم بکنم گویا به قید و بند زمان و محدودیت زمان برخورد کردم.

ببینید این مجری بزرگواری که آنجا نشسته، خب خودشان خیال می کنند تمام حقیقت پیش ایشان هست و خیال می کنند قربان خلاصه موجودات و نقطه کائنات ایشان است!!

در منظر هزاران انسانی که دروغ می گویند آن هم عامداً عالماً راقباً. یعنی توهین به شعور بینندگانشان کردند و حرف هایی که در مناظره زدند بعداً هم آمدند در شبکه خودشان آن حرف ها را آنجا اصلاً نگفتند و این که بهانه هم کردند.

تند تند حرف می زنم که به آن بار معنای حرفی که می خواهم برسم. به قول کنفوسیوس که می گوید حرفهایشان را بشنوید اما از اعمالشان قضاوت کنید. ما در منطقه کردستان این حضرات را داریم.

من خیلی خوشحالم! خیلی خوشحالم به خاطر این که شما یک ممیزی می گذارید بین اهل سنت و این حضرات؛ این حضراتی که بنده گفته ام بعضی وقتها استدلال هم می کنند که خیلی به نظر بنده به مزاح شبیه هست.

مثل این که می گویند ما یک بنده خدایی داشتیم می گفت بنده روزی بیست و پنج ساعت کار می کنم!!  
گفتند: چطور؟ گفت: بنده صبح یک ساعت زودتر بلند می شوم!! بعضی از حرف هاشان و بعضی استدلال  
هایشان اینگونه است!

### مجری:

خیلی ممنونیم از شما. دست شما درد نکند. دو دقیقه هم بیشتر صحبت کردید. ممنونم از شما دوست اهل  
سنت.

حاج آقا می فرمایند: اجازه بدهید یک دقیقه بیشتر دوست عزیزمان صحبت کنند.

### بیننده:

حاج آقا محبت دارند. خیلی ممنون.

ببینید آقای محسنی! یک تیر راست، هزاران سپر دروغ جلویش را نمی گیرد! چون راست است. چون تیر  
راست است، هزاران سپر دروغ جلوشان را نمی گیرد. بنده در مورد مناظره می خواستم توضیحاتی بدهد.

شب پره گر وصف آفتاب نخواهد / رونق بازار آفتاب نکاهد

آیت الله قزوینی که با آن آقای معلوم الحال مناظره داشتند، ارادت بنده هم از همان موقع به آیت الله  
قزوینی واقعا شروع شد و روز به روز هم با توجه به «شبکه ولایت» اینجایی که هستند و برنامه هایشان را  
بنده دنبال می کنم، ارادتم روز به روز زیادتر شد.

اینها می دانند پنجه در شیر و مشت بر شمشیر زدن هست! خب اینها قامت و شجاعت و درایت و کفایت  
اگر داشتند، نمی ترسیدند. ترس برای چه؟ اگر بضاعت علمی داشتند، توان مجادله و مباحثه داشتند، آنی  
درنگ نمی کردند!

این را من اهل سنت از کردستان می گویم. شماره ام را می دهم باور هم بکنید. اعتقادی هم دارم، حرفی هم که بزنم، پایش می ایستم که از آقای قزوینی اینجا دارم حمایت می کنم. چون یقین بدانید اگر اینها می توانستند به قول حکمای بزرگوار:

سایه پرورده را چه طاقت آن / که رود به مناظره و یا به قتال

سست بازو به جهل می فکند/ پنجه با مرد آهنین چنگال

آقای قزوینی آهنین چنگال اند؛ اگر به آن ها گفتم باز هم می گویم بنده ی اهل سنت از کردستان می گویم اگر در آن سطح و اگر آن شجاعت و درایت و کفایت و بضاعت علمی را داشتند مطمئن باشید درنگ نمی کردند. خب اگر راست می گویند بسم الله!

**مجری:**

خیلی ممنونیم. درود بر شما و درود بر این شعور شما برادر اهل سنت ما، که این قدر قرص صحبت کردید و خیلی مطالب را منطقی بیان کردید. ممنونیم.

تلفن بعدی، جناب آقای حسین از برادران اهل سنت هستند. امشب مثل این که روزی اهل سنت بیشتر از شیعیان هست حاج آقا.

**بیننده:** (آقای حسین - اهل سنت)

سلام علیکم خسته نباشید. درباره «سکینه» دختر امام علی و یکی دیگر از دختران امام علی و ازدواجشان با فرزندان عثمان. بعد ازدواج «ام کلثوم» با «عمر» و بعد در مورد جنگیدن امام حسن در لشکر عمر در یکی از فتوحاتشان در آن زمان در کشورهای آفریقای توضیح بدهید.

سؤال دوم درباره آیه از قرآن که معنیش این است تمام کسانی که در کعبه مسلمان شدند و با آن کسانی که بعدا مسلمان می شوند تفاوت هست! و همه آنها به بهشت می روند!



ولی شیعه نظرش در مورد «عمر» چیز دیگری است. «عمر» که منافق نبوده. چون قرآن در مورد منافقین می گوید منافق کسانی هستند که مسلمان نشدند و ظاهراً مسلمان شدند. عمر اگر مسلمان نبود چطور امام علی به ایشان زن داد؟ دخترشان را به او داد؟ پس مسلمان بوده است. طبق آن آیه اصلاً ایشان بهشتی هستند. چون گفت همه آنها به بهشت می روند یعنی کسانی که در مکه مسلمان شدند به بهشت می روند. خدا حافظ شما.

**مجری:**

جناب آقای «احمدی» از «اصفهان» بیننده بعدی ما هستند.

**بیننده (آقای احمدی - شیعه):**

خدمت جناب آقای قزوینی، سلاله پاک پیغمبر و خدمت همه دوستان عرض کنم که:

فرمود رسول کردگار ازلی / با همه اصحاب با آوای جلی

که به کتفم که به معراج رسید / دستی دیدم اثرش را ز کف پای علی

خدمتتان عرض کنم سوالهای بی جواب که مانده است منزلت علی، داماد علی، وصی پیامبر، مقام علی نزد فرشتگان، دریای حکمت علی، عدالت علی، ستون بهشت علی و نادیده گرفتن این همه فضایل در بین جوامع اسلامی واقعا بی انصافی است.

ما هر چه بگوییم آنهایی که خودشان حضور داشتند در طی هزار و چهار صد سال اولی و دومی و سومی و دیگرانی که بودند همه چیز را انکار کردند. بعد از هزار و چهار صد سال غدیر را قبول ندارند. درب خانه زهرا را آتش زدند. قبول ندارند احادیث خودشان را هم نادیده می گیرند و سوال های بی جوابی که هیچ موقع جوابش را نداند.

اگر قرآن را بخواهید پر از دلالت و استدلال است. ما که سوالی نداریم آنها باید جواب ما را بدهند. حاج آقا خواستم راجع به این عدالت دروغین صحابه توضیحاتی بیشتری بدهند.

**مجری:**

خیلی ممنونیم. حاج آقای احمدی به خاطر همین است که این قدر بی حال هستید. ما دوست داریم وقتی شما صحبت می کنید به ما انرژی بدهید. شما صحبت کردید انرژی منفی تان به ما منتقل شد.

آقای آقایاری از تهران بیننده بعدی ما هستند بفرمائید!

**بیننده (آقای آقا یاری - شیعه):**

سلام علیکم! قربان شما جناب محسنی. عید غدیر را تبریک می گویم خدمت شما. من البته به اندازه یک کامیون سوال دارم از حاج آقا اما خیلی خلاصه عرض می کنم.

خواهش می کنم یک بزرگواری بفرمایید درباره سوره غافر آیه 17 تا 19 که در مورد شفاعت هست و در مورد بنی اسرائیل هم هست توضیح بفرمائید. می خواستم عرض کنم خدمتتان که قبل از اسلام هم من فکر می کنم شفاعت بوده است.

یکی این و دوم در مورد آقای ملازاده است؛ شما یک کلیپی را پخش کردید خواهشی که داریم ایشان این کتاب سنت را بگذارد زیر بغلش و این آقای هاشمی را با خودش ببرد به فلسطین که مردم فلسطین دهها سال هست که منتظر همچین منجی هستند.

اگر علمای دین ما، اگر رهبر بزرگ ما، اگر فتوا نمی داد و ما اگر ماه رمضان روز جهانی قدس را نمی داشتیم، فلسطینی ها خیلی به مشکل بر می خوردند. یعنی به توبره می کشیدند خاک بیت المقدس را. من مخلص شما هستم.

**مجری:**

بله متشکریم، الو سلام جناب آقای غلامی از مشهد بفرمائید.

**بیننده (آقای غلامی - شیعه):**

سلام خسته نباشید. چند سوال داشتم سریع می پرسم. اول این که «مباهله» یعنی چه؟ در قضیه آیه مباهله که نازل شده، شأن نزولش چطوری بوده است؟

سوال دوم می خواستم بدانم کتاب «کافی» که می گویند به تأیید امام زمان رسیده این درست است یا نه؟ سوال بعدی ام این که می گویند از امام باقر در کتاب تورات یاد شده، می خواستم بدانم قضیه چی هست؟ بعد شرح حال آقای «عبدالله بن ابی داوود» خواستم بدانم در کتب رجالی آقایان اهل سنت این چطوری هست مسئله اش؟

**مجری:**

خیلی ممنونیم آقای غلامی، جناب آقای تقی زاده از فرانسه تماسشون برقرار است.

**بیننده (آقای تقی زاده - شیعه):**

سلام حاج آقا. اول از همه، ما دست استاد بزرگوار جناب آقای قزوینی را از همین راه دور می بوسیم. هر چند این طرف زندگی می کنیم ولی شاگرد ایشان هستیم. من مقالاتی که در سایت ولی عصر است را می خوانم همه آنها را تقریباً حفظ کردم. این اولین مطلب.

دومین مطلب می خواستم راجع به حدیثی که حضرت رسول فرمود که: «انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم» آیا این حدیث سندش صحیح است؟ اگر سندش صحیح هست پس کسانی که با امیرالمومنین (علیه السلام) جنگیدند، یا با امام حسن و با امام حسین جنگیدند، باید بگوئیم در حقیقت اینها با پیغمبر جنگیدند.

سوم این که مدام بعضی از کارشناسهای وهابی می گویند امام حسین را شیعیان کشتند! آیا «شمر بن ذی الجوشن»، یا «سنان بن انس»، این ها آیا شیعه بودند؟ این مطلب را اگر امکان دارد بگویید.

آخرش دیگر ما اینجا همین جور به قول معروف کشور غریب هستیم مدام توهین می کنند به امیرالمومنین، فقط اینجا می رویم تا دق کنیم که این قدر ناراحت هستیم.

مجری:

خیلی ممنون آقای تقی زاده، درود بر شما و متشکریم. جناب آقا رضا از کرج از برادران اهل تسنن

**بیننده (آقا رضا - اهل سنت):**

سلام عرض می کنم خدمت دکتر قزوینی. مطلبی هست دکتر جان من می خواهم عرض کنم خدمت شما و حقیقتاً جواب درستی می خواهم از این سوال.

بینید هزار و چهار صد سال پیش بین امت اسلامی اختلافاتی به وجود آمده است که متأسفانه هیچ یک از طرفین کوتاه نیامدند و مشکل اصلی به نظر من جریان غدیرخم هست!! که متأسفانه حالا شیعیان معتقد هستند امامت علی علیه السلام در آن ثابت شده است و اهل سنت خلاف این نظریه را معتقد هستند.

اما بنده به عنوان یک مسلمان می خواهم حقیقت را واقعا بدانم. می خواهم این موضوع را از قرآن برایم ثابت کنید. همان طور که خداوند متعال در آیه 12 سوره تغابن می فرماید:

**(وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِين)**

و اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر را، و اگر رویگردان شوید رسول ما جز ابلاغ آشکار وظیفه‌ای ندارد.

**سوره تغابن (64): آیه 12**

بنده از این آیه ماهیت دیگر در می یابم. اگر دستوری از طرف خداوند بر پیامبرش نازل شده باشد و آن هم امر امامت و رهبری جامعه اسلامی بعد از پیامبرش باشد، باید به صورت آشکار و صریح در قرآن بیان شده باشد که دیگر جای هیچ گونه حرف و حدیثی نباشد.

مگر نه این است که در قرآن حداقل اسم بیست و پنج شش پیامبران الهی آشکارا آمده است مثلا محمد رسول الله، و بقیه پیامبرانی که هیچ مسلمانی درباره پیامبر بودنشان شکی ندارند.

اگر امر امامت و رهبری که شیعیان می گویند امری آسمانی بوده است و از طرف خداوند بر پیامبر ابلاغ شده است، آیا نباید به صورت آشکار بیان شده باشد که دیگر هیچ مسلمانی جرأت مخالفت با آن را نداشته باشد!؟

**مجری:**

خیلی ممنونیم جناب آقا رضا. به هر صورت این تهیه کننده ما به دوستان اهل سنت ما یک دقیقه بیشتر وقت می دهد. نگاه کنید شیعیان می آیند دو دقیقه است و شما معمولا سه دقیقه. خانم هاشمی از امارات از خواهران اهل سنت بفرمائید.

**بیننده (خانم هاشمی - اهل سنت):**

سلام علیکم. این آقای قزوینی اول برنامه فرمودند ابوبکر زکات می گرفت! حالا شما اگر خمس نگیرید چکار می کنید؟ زکات که حلال هست. اگر کسی بگیرد جایز است ولی خب کجای دین آمده است که خمس بگیرد؟

در شبکه «کلمه» اگر به کسی توهین می شود فوراً تلفن قطع می کنند ولی الان به آقای هاشمی توهین کردند شما داشتید می خندیدید. واقعا خیلی زشت است برای دو تا حجت الاسلام مثل آقای قزوینی و شما که دارید می خندید خیلی زشت است. شما تلفن قطع نکردید آن کسی که تلفن زد و توهین کرد لیاقت این را ندارد که اسم آقای هاشمی را ببرید.

در خدمت خانم صفائی هستیم بفرمائید.

**بیننده (خانم صفائی - شیعه):**

سلام عرض می کنم خدمت حضرت آیت الله قزوینی. بنده سوالی داشتم اگر اجازه بدهید مطرح کنم.

برادران اهل سنت می گویند رسول گرامی (صلی الله علیه و اله و سلم) این امت را بدون تعیین خلیفه و جانشین رها نمود و از دنیا رفت. آیا رسول گرامی تعیین خلیفه را به عهده امت نهاد که به هر نحوی صلاح دیدند و هر کسی را پسندیدند به عنوان خلیفه انتخاب نمایند؟ و خود حضرت هیچ سخنی درباره شرایط انتخابات و شرایط رهبری و شرایط شرکت کنندگان در انتخابات بیان نفرمودند؟

این کار قطعاً مقبول نیست. زیرا رسول گرامی (صلی الله علیه و اله و سلم) در موقعیتی از دنیا رفت که جامعه اسلامی در بدترین وضعیت قرار داشت. چون از طرفی دولت قدرتمند رم و ایران حکومت اسلامی را تهدید می کردند که اصرار حضرت مبنی بر تجهیز جیش اسامه بهترین گواه این مطلب است.

و از طرفی دیگر منافقان، مشرکان و یهودیان هر روز مشکلی برای جامعه اسلامی ایجاد می نمودند.

بدیهی است در این موقعیت، اگر حاکم جامعه یک فرد عادی بود جامعه را بدون جانشین رها نمی کرد، پس چگونه عقل بپذیرد که رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) این جامعه را بدون تعیین خلیفه و جانشین گذاشته و رفته باشد؟ ممنونم از وقتی که به من دادید و سوالم را مطرح کردم. ممنون خدا حافظ

**بیننده (آقا مسعود - شیعه):**

سلام عرض می کنم بنده مسعود هستم خدمت حضرتعالی و استاد گرامی جناب آقای دکتر قزوینی سلام دارم و همه بینندگان عزیز.

**مجری:**

مدتی هست که صدای شما را نشنیده بودیم.

**بیننده:**

بنده سعادت نداشتم قربان! گاهی سوال می کنم می فرمایند صدا نرسید و متأسفانه سوالات ما بی جواب می ماند. من دو دقیقه مصدع هستم!

اول تشکر می‌کنم از شما و جناب استاد قزوینی که واقعاً حرف دل ما را می‌زنید و چه خوب شد بعد از سرکار خانم صفایی شیر زن تهرانی، دو مرتبه نوبت من شد.

عرض کنم که دیروز صحبتی که ایشان با آقای هاشمی می‌فرمودند، من یک نکته ای به آقای هاشمی عرض بکنم پیشاپیش. ایشان و دوستانشان با این همه ادعای دوستی اهل بیت و ارادت به اهل بیت، دیروز که صحبت شهادت حضرت امام حسین (علیه السلام) بود فقط خدا می‌داند شادمانی که در ایشان در چشم هایشان و در چهره شان بود این را خوب است که دوستان قضاوت کنند.

آیا این نشان دهنده حزن و اندوه ایشان و علاقه ایشان به حضرت اباعبدالله بود یا چیز دیگری؟ من فقط امیدوارم آن نیتی که ایشان دارد ذخیره قبر و قیامتشان باشد تا قیامت و در محضر امام حسین حقیقت ماجرا مشخص بشود!

بنده سوال عرض می‌کنم خدمت حضرتعالی یکی اصطلاح «مجدد رأس مائه» هست این آیا مبنایی دارد و مستند هست یا نه؟

این یکی، یکی هم راجع به اهمیت اصل عدل. در اصول اعتقادی شیعه البته اصل مهمی است اما چرا روی اصل عدل شیعه این قدر پافشاری و انگشت گذاشته است؟

این را اگر، البته می‌دانم که وقت بسیار مفصلی می‌طلبد این مباحث. اما اگر احیانا مختصر ممکن باشد بفرمائید سپاسگزار می‌شوم. قربان شما شبستان بخیر.

**مجری:**

خب ما دیگر تلفن نمی‌توانیم بگیرم، به عنوان آخرین تلفن جناب آقای صادقی از برادران اهل تسنن از بندر عباس. فکر کنم امشب روزی برادران اهل تسنن بود.

**بیننده (آقای صادقی - اهل سنت):**

سلام بر آقای قزوینی. یک سوال داشتم از ایشان.

ایشان در اوایل صحبتشان فرمودند زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زنده بودند و در قید حیات بودند و زکات به پیامبر می دادند، پیامبر برای اینها درود می فرستاد و دلشان آرام می شد.

الان و در حال حاضر که پیامبر در میان خودمان نیست، چگونه پیامبر صلوات می فرستند و کسی دلش آرام می شود که زکات می دهد. بعد هم می خواستم بدانم که ابوبکر صدیق اگر زکات می گرفتند آیا در کیسه خودشان می گذاشتند یا در اموال بیت المال می گذاشتند!؟

اگر برای خودشان بوده است پس چرا کاخی مثل کاخ فرعون و مداین و اینها برای خودشان درست نکردند؟ اگر آقای قزوینی راست می گویند اینها برای خودشان بود پس چرا یک باغی و ملکی و اموالی برای خودشان جا نگذاشتند و همه را خرج بیت المال کردند؟ لطفا به ما جواب بدهید.

زمانی که پیامبر زنده بودند مسلمانان زکات می دادند بعد می گوید خدا در آیه قرآن فرموده پیغمبر برای اینها صلوات می دادند و دل این ها آرام می شده است!!

### **آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

من به شما توصیه می کنم تکرار برنامه را ببینید. توصیه می کنم دوباره تکرار برنامه را ببینید بعد در جلسه بعدی سوالات خود را مطرح بفرمایید.

### **مجری:**

ممنونیم یک میان برنامه کوتاه ببینیم و برگردیم و پاسخ شما عزیزان را داشته باشیم.

خیلی ممنون هستیم از شما بیننده عزیز که تا این لحظه همراهی کرده اید. گویا عزیزان از افاق فرمان به من اشاره می کنند که یک تلفن از تانزانیا هست اجازه بدهید که ما صدای این عزیز بزرگوار را هم بشنویم بعد ان شالله پاسخ ها را از حاج آقا بگیریم. سلام علیکم بفرمائید:

### **بیننده (آقا مصطفی - شیعه):**



سلام علیکم. بنده مصطفی هستم اهل تانزانیا. اگر اهل تانزانیا دارید آنجا با زبان تانزانیایی حاضریم باهات صحبت کنم. حال شما خوب است ان شالله؟

**مجری:**

ممنونم، شما فارسی از کجا یاد گرفتید آقای مصطفی؟

**بیننده:**

من آمدم ایران و فارسی یاد گرفتم. حقیقت من خیلی دلم می خواست با زبان ساحلی که نزدیک به صد میلیون نفر آفریقای شرقی از ساحل شمالی تا موزانیک صحبت می کنند، صحبت کنم.

من می خواستم عرض کنم خدمتتان اولاً تبریک بگویم تمام مسلمان های حقیقی، پیرو پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، سنت پیغمبر و شیعیان اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این عید غدیر است.

می خواستم تبریک بگویم بعدش هم می خواستم یک چیزی بگویم. من تمام این برنامه را گوش می دهم. الان برنامه سید کمال حیدر را گوش دادم. بعدش از موضوع امشب چه بود نمی دانم ولی اگر موضوع همان صحابه هست سوال من درباره صحابه است.

**مجری:**

جناب آقا مصطفی! اگر بحثتان صحابه است، شب های چهارشنبه بحث صحابه را داریم. چون ما بحثمان وهابیت بود و آن فتوهای عجیب و غریبی که در قتل شیعه داده شده بود و بحث «اصحاب رده» بود اگر با بحث ما در ارتباط است ما در خدمت شما هستیم.

## بیننده:

من چیزی بگویم به خدایی که شریک ندارد در جزیره زنگبار بودیم قبل از اینکه تانزاینا به وجود بیاید یک عالم شیعه بود به رحمت خدا رفته بود آنجا خاکش می کردند، شیعه و سنی؛ تا اینکه وهابی ها پول دار شدند شروع کردند به فتنه انداختن!

آنجا خود ما برادر اهل تسنن یعنی ما به آنها می گفتیم پیرو سقیفه آنها از وقتی نمازی می خواندند مسخره می کردند. تا کی می خواهیم که احترام و عزت بکنیم؟ تمام این برنامه ها به ائمه اهانت می کنند، به حضرت فاطمه اهانت می کنند.

## مجری:

خیلی متشکریم آقا مصطفی، درود بر شما متشکر خیلی ممنون.

خب حاج آقا دوستان عزیزمان که تماس گرفتند آقای صادقی بود که جوابشان را دادید. خانم هاشمی بود که قطع شد که البته دوباره تماس گرفتند که ظاهراً ما توهینی به مقدسات ایشان کرده بودیم و خندیده بودیم به آقای هاشمی مجری شبکه کلمه!! ایشان فکر کنم فامیلشان باشند که ناراحت شده بودند.

از کردستان برادر عزیزمان خیلی حر و آزاده بودند و اینقدر قشنگ صحبت کردند. آقای حسین از برادران اهل سنت بودند گفتند سکینه یکی از دختران که با عثمان ازدواج کرده است و ام کلثوم دختر امیرالمومنین با عمر آیا ازدواج کرده است یا نه؟ این ها را لطف کنید و توضیح بدهید.

## آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

بله برادر عزیزمان در رابطه با این که اینها با همدیگر ازدواج کرده اند، در صدر اسلام یک چیز طبیعی بوده است. آخرش گفت اگر عمر منافق بود چرا دختر به او دادند؟

اولا ما نگفتیم عمر منافق بوده است. این را شما به کسی بگوئید که نسبت به نفاق عمر حرفی می زند. ما نسبت به ظلم هایی که ایشان داشته اند نسبت به حضرت زهرا، غصب خلافت و غیره حرف هایی که ما می زنیم و خود حضرت امیر (سلام الله علیه) هم نظرش این بود.

ما که نمی گوییم، شما نظر حضرت علی را ببینید نسبت به عمر چه بوده است. صحیح مسلم را باز کنید ج 3، ص 1378، ایشان می گوید نظرشان این بود:

«ثُمَّ تُوْفِّي أَبُو بَكْرٍ وَأَنَا وَلِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَوَلِيُّ أَبِي بَكْرٍ فَرَأَيْتُمَانِي كَاذِبًا آثِمًا غَادِرًا خَائِنًا»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي؛ ج 3، ص 1378، ح 1757

این نظر حضرت امیر بوده است. حالا می گوید بر فرض محال، ایشان منافق بوده است چرا پیغمبر به او دختر داده است؟

حداقل شما که خودتان را اهل قرآن می دانید در سوره هود آیه 78 خود حضرت لوط مگر به کفار نمی گوید بیائید با دختران من ازدواج کنید؟! کفاری که اهل شنیع ترین اعمال زشت بودند.

(قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ)

گفت ای قوم من! اینها دختران منند، برای شما پاکیزه ترند (با آنها ازدواج کنید و از اعمال شنیع صرف نظر نمائید)

سوره هود (11): آیه 78

می گوید بیائید من دخترهایم را به شما بدهم. اینجا چه می فرمایید شما؟

یا خود رسول اکرم - چرا راه دور بروید - سه تا دخترش را زینب، ام کلثوم، و رقیه بودند که رقیه را به «عتبه پسر ابولهب»، ام کلثوم را با «عتیه پسر ابولهب» و زینب را به «ابو العاص بن ربیع» داده است. سه تا دختر به سه تا کافر داده است. این را حضرتعالی برادر بزرگوارم چه می گوئید؟

البته از این ادبشان خیلی خوشم آمد. ایشان خیلی مودب حرف زدند. این که طلبکارانه دارند حرف می زنند ما دوست نداریم عزیزان اهل سنتمان این طور طلبکارانه حرف بزنند. بگویند این حکمش چیست نظر آنهایی که بله بروید آن شبکه های که منافق می دادند آنجا این را مطرح کنید. ما نه تنها ایشان را منافق نمی دانیم، بلکه توهینش را هم جایز نمی دانیم.

بعد آقای آقا غلام بود سوال کردند «مباهله» یعنی چه؟ و شأن نزولش چیست؟ «مباهله» یعنی به همدیگر لعن کردند و نفرین کردن. پیغمبر اکرم با نصاری نجران نسبت به رسالتشان بحث کردند.

پیغمبر اکرم داشت با نصاری نجران صحبت می کرد و اینها از سخنان پیغمبر اکرم قانع نشدند و بنا شد مباهله شود. پیغمبر به آنها گفت شما نزدیکترین عزیزانتان را بیاورید، من هم نزدیکترین عزیزانم را می آورم. و آیه قرآن هم آمد آیه 61 سوره عمران:

**فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ**

هر گاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: "بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آن گاه مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

**سوره آل عمران (3): آیه 61**

خب آقایان اهل سنت! این صحیح مسلم است حدیث 2404، آنجا دارد پیغمبر اکرم علی، زهرا، حسن و حسین را برد.

«وَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ { فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ } دَعَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَقَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي؛ ج 4، ص 1871، ح 2404

ابن تیمیه هم می گوید پیغمبر با این که این همه صحابه بود علی را برد. این همه حتی از دخترشان در قید حیات بود در روز مباحله ولی حضرت زهرا را برد و از میان این همه بچه ها، حسن و حسین را برد. خب این ها نشانگر این هست که اینها در نزد نبی گرامی از یک جایگاه ویژه ای برخوردارند.

آیا کتاب کافی مورد تأیید امام زمان است؟!

اما ایشان سوال کردند آیا «الكافي كاف لشيعتنا» درست است یا نه؟ بنده دارم اعلام می کنم، بنده به عنوان یک کسی که حدود چهل و خرده ای سال در حوزه هستم، بیست سال تدریس داشتم و حدود بیست و دو سال است که گواهی اجتهاد دارم و در رجال هم اگر در حوزه دو تا متخصص باشد یکی بنده هستم عرض می کنم: «الكافي كاف لشيعتنا» دروغ است، ساختگی است، جعلی است و در قوطی هیچ عطاری همچین چیزهایی نیست!!

مرحوم صاحب مستدرک (رضوان الله تعالی علیه) در همان خاتمه مستدرک می گوید:

«ان هذا كاف لشيعتنا» فبين انه لا أصل له و لا أثر في مؤلفات أصحابنا، و لم تأت به رواية قط لا صحيحة و لا ضعيفة

این عبارت اصل و ریشه ندارد. هیچ اثری در تألیفات بزرگان هم نیست. هیچ روایت صحیح و ضعیفی هم در این زمینه نداریم.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، قم، 1408ق؛ الخاتمة مقدمة، ج 1، ص: 39

ایشان می گوید: نه روایت صحیح داریم و نه روایت ضعیف داریم که امام زمان گفته باشد «کافی کاف  
لشیعتنا»!

مرحوم علامه مجلسی هم می گوید:

«و أمّا جزم بعض المجازفين بكون جميع الكافي معروضا على القائم عليه السلام لكونه في بلدة  
السفراء فلا يخفى ما فيه على ذي لب»

بعضی از افرادی که حرف گزاف می گویند ادعا می کنند که تمام کافی بر امام زمان عرضه شده  
است. در حالی که اشکال این مسئله بر انسان عاقل روشن است.

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح:  
رسولی محلاتی، هاشم، دار الكتب الإسلامية، تهران، 1404ق؛ ج 1، ص: 22

تعبیر علامه مجلسی است که می گوید: بعضی افرادی که گزاف می گویند؛ یعنی مواظب دهانشان نیستند  
و هر چه به دهانشان می آید می گویند اینها این عبارت را گفتند که: جميع الكافي معروضا على مهدی  
سلام الله عليه

می گویند: تمام کافی را به آقا ولی عصر ارواحنا فداه عرضه شده و حال آن که این دروغ است و هیچ جا  
نیامده است.

علامه عسگری (رضوان الله تعالی علیه) هم می فرماید:

« أما ما قيل من أن المهدي ( ع ) قال: إن الكافي كاف لشيعتنا، فإنه قول مجهول راويه ولم يسم  
أحد اسمه، ويدل على بطلانه تأليف مئات كتب الحديث بمدرسة أهل البيت بعد الكافي مثل: من لا

یحضره الفقیه، ومدینة العلم والتهذیب والاستبصار والبحار و وسائل الشیعة و جامع أحادیث  
الشیعة، إلی غیرها «

معالم المدرستین؛ تألیف: العلامة السید مرتضی العسکری، مؤسسة النعمان للطباعة والنشر والتوزیع؛

ج3، ص283

خب این را استاد عزیز و سرور ما حضرت آیت الله شبیری زنجانی حفظه الله تعالی که من افتخار دارم  
چهارده سال خارج درس این بزرگوار بودم؛ ایشان گفت: بابا اولاً مرحوم کلینی کتاب کافی را در ری نوشته  
است. درست است که در عصر غیبت بوده است ولی تمام نواب در بغداد بوده اند و ایشان در دوران  
نوشتن کافی یک سفر به بغداد نداشته است!!

و ثانیاً اگر چنانچه کافی مورد تأیید آقا امام زمان نه، اگر چنانچه یکی از نواب امام زمان هم تأیید کرده  
بودند، مرحوم کلینی در یک حدیثی می آورد و این مایه مباهات و افتخار کافی و افتخار کلینی بود!

مگر می شود مثلاً یکی از نواب بیاید بگوید آقای کلینی کتاب شما مورد تأیید من هست، این را مرحوم  
کلینی با آب و تاب می آورد. در این هشت جلد کافی نه اشاره ای، نه کنایه ای، نه صراحتی، این که کتاب  
حتی نواب حضرت ولی عصر هم عرضه نشده است!

حالا یک آقای بد سلیقه ای، نمی گویم احمق، آمده است در مقدمه کافی این را گرفته است یک افراد احمق  
تر از این هم، این را ملاک قرار داده اند. بله **ببین الکافی کاف لشیعتنا** کتاب کافی را امام زمان حضرت  
مهدی تأیید کرده است!!

آقا جان بروید دنبال کارهای خودتان که هر روز دارید دروغ می بافید، اهانت می کنید، فحاشی می کنید و  
مقدسات شیعه را دارید به استهزاء می گیرید. دنبال آن کارهاتان بروید!!

در این قضایا شما اهلیت هم ندارید که در این زمینه اظهار نظر کنید. وقتی می آیند از شما درباره «صحیح  
مسلم» نقل می کنند می گویند آقا سند بده وقتی می گویند «زید بن ارقم» نقل کرده است که زنان پیغمبر

اهل بیت نیستند؛ داد می زنند که آقا زید بن ارقم اشتباه کرده است گفته است شما بروید دنبال کارهای خودتان!!

این که بیاید در کتاب کافی در مقدمه اش یک آقایی که چاپ خانه می خواسته چاپ کند پول در بیاورد برداشته اول کتاب نوشته است: **عن بعض علما** اگر فرضا آورده باشد روایت مرسلی است که اصلا قابل احتجاج نیست!

این را ما صراحتا داریم می گوئیم آنهايي که دارند به این احتجاج می کنند اینها را ما آدم های احمق می دانیم. چون یک روایت که شیعه قبول ندارد علامه مجلسی می گوید گزافه است. مرحوم نوری هم می گوید حتی در یک روایت صحیح هم این نیامده است؛ ولی این را دارند آقایان استناد می کنند!

**مجری:**

آقای غلام باز سوال کردند که آیا درست است که نام امام باقر در تورات آمده است؟ و در مورد «عبدالله بن ابی داوود» هم سؤال کردند.

**آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

نه همچنین چیزی را بنده ندیده ام. اگر هم بوده بنده ندیده ام. مراد از ابی داوود متوجه نشدم چی هست. «عبدالله بن ابی داوود» صاحب سنن آنهاست. عبدالله بن ابی داوود صاحب رجال است.

ابی داوود صاحب رجال، از علمای بزرگ است و قابل احترام هست. معاصر علامه حلی بوده این دو بزرگوار هر دو در یک عصر یک رجالی می نوشته اند. رجالش هم از رجال معتبر شیعه است. در دو بخش آورده است راویانی که مورد ثقله هستند در بخش اول مورد ضعیف هستند در بخش دوم آورده اند.

**مجری:**

جناب آقای تقی زاده از فرانسه سوال کردند **انی سلم لمن سالمکم** سندش صحیح است؟ اگر صحیح باشد پس این آقایان که اجتهاد کردند در مقابل این نص، این ها همه مشکل دارند.



## آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

این را دیگر جناب آقای یزدانی همین پربش این را مفصل آورده اند بر این که پیغمبر اکرم فرمود «حرب لمن حاربکم» یا «حرب لمن حاربتم»

این با سندهای صحیح و معتبر در منابع اهل سنت آمده است. حالا بخواهم وارد بشوم الان فرصتش نیست. همچنین من از «خانم صفایی» هم که یک نکاتی را بیان کردند تشکر می کنم. نکته ظریفی بود البته؛

(إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ)

در این تذکری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش فرا دهد و حضور یابد.

سوره ق (50): آیه 37

واقعا نکته ظریفی بود که اگر پیغمبر انتخاب خلیفه را به عهده مردم گذاشته باید در یک روایتی گفته باشد شرایط کسی که می خواهد کاندید بشود، شرایط خود انتخابات، شرایط انتخاب شونده، خب هیچ قضیه ای را آقایان ندارند!!

یک نکته ظریفی که ان شالله امیدواریم که خواهرم برود در شبکه این آقایان سوال کند از ما که نباید سوال کند. ما که موضع مان نسبت به این مشخص است.

اما این که گفته اند در رابطه با این حدیث که در رأس هر صد سال یک نفر مجدد هست؛ این را خیلی اصرار داشتند آقایان. این سوال جدیدی بود تا به حالا نکرده بودند از ما، یعنی در این چهار پنج سال نبوده است.

بله این را آقایان اهل سنت آورده اند. سنن ابی داوود نقل کرده است:

«عن أبي هريرة فيما أعلم عن رسول الله قال إن الله يبعث لهذه الأمة على رأس كل مائة سنة من  
يُجدد لها دينها»

سنن أبي داود، اسم المؤلف: سليمان بن الأشعث أبو داود السجستاني الأزدي، دار النشر: دار الفكر،  
تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد؛ ج 4، ص 109، ح 4291

یعنی خدای عالم در رأس هر صد سال یک عالم دینی را مبعوث می کند دین را تجدید کند. دین را از نو  
بنیان گذاری کند.

آقایان آورده اند و آقای نووی در مجموع ج 1، ص 509، و مرحوم نوری در خاتمه مستدرک ج 3، ص 273 به  
این مسئله اشاره کرده است.

و این آنچه که بنده اطلاع دارم آقایان فقهای شیعه این را به هیچ وجهی قبول ندارند این قضیه، قضیه ای  
است که به نظر من از ساخته پرداخته های جناب آقای ابوهیریه است که محیی الدین نووی در ج 1،  
ص 509 می آورد.

**مجری:**

حاج آقا، آقا رضا از کرج که برادر اهل سنت بود گفت هزار سال است این اختلافات است و طرفین هم  
کوتاه نمی آیند. اصل این اختلافات از غدیر است. من واقعا تعجب می کنم از ایشان. اگر اینجور باشد باید  
بگوییم ابوبکر و عمر نعوذ بالله از پیغمبر بهتر بودند.

چرا؟ چون ابوبکر فهمید و دانست بعد از خودش باید خلیفه انتخاب کند و عمر را انتخاب کرد و عمر هم  
بعد از خودش پنج نفر را انتخاب کرد که خلیفه تعیین کنند.

آیا ممکن است از پیغمبر ما که عقل کل هستند و سیره همه انبیاء الهی این هست که باید جانشین داشته  
باشند، کسی را برای خودشان انتخاب نکنند؟

## آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

جواب را شبکه کلمه داد. گفت: برای سفیه، برای احمق می آورند حاکم و وصی معین می کنند. پیغمبر می دانست مردم سفیه نیستند و احمق نیستند لذا برای اینها وصی معین نمی کرد!! جوابش را خود آقایان دادند!!

## مجری:

خیلی ممنون حاج آقا، آقای صادقی هم باید دوباره بازپخش برنامه را ببیند جواب سوالشان را می گیرند. خیلی ممنونیم حاج آقا وقت تمام شد. اجازه بدهید قبل از این حضرتعالی دعا بفرمایید من طبق معمول فقط اسم عزیزان را بخوانم که صدایشان پخش نشد.

آقایان حسین از ارومیه، احمد از عراق اهل سنت، محمد از کرمانشاه اهل سنت، میر معینی، احمدی، مولوی، رجبی، که این ها از ارومیه، تهران و شیراز، کمیل از اصفهان، دهقان تهران، انصاری رشت، صدوقی تبریز.

عذر خواهی می کنم چون وقت نیست «آقا» نمی گویم، حللی از اصفهان، پرتویی از تهران، فلاح مشهد، صفری از میاندوآب، علوی از افغانستان، الهی از سیرجان، خادمی از مشهد، حسن از نهاوند، شاکری از خرم آباد برای اولین بار است.

رحمان از پاکستان، عبدالملک از زاهدان، محمود از اصفهان، علی از زاهدان، صابر از شیراز، و ضیایی از کاشان، و تلفن های دیگری که دوستان ما دیگر ننوشته اند ممنونیم حاج آقا دعا بفرماید که وقت خیلی گذشت

## آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

ما از همه بینندگان عزیز از عزیزانی که تماس می گیرند ما تشکر می کنیم و ما خیلی دوست داریم و مخصوصا عزیزان اهل سنت ما، شب چهارشنبه که برنامه قضاوت با شما است تشریف بیاورند.

ما آنجا تلاش می کنیم پنج دقیقه، ده دقیقه اگر قبلا هماهنگی کنند تا بیست دقیقه هم وقت می دهیم این عزیزانمان صحبت بکنند. ولی نه مثل این خانم هاشمی طلبکارانه نمی دانم هم خودش قاضی باشد، هم حاکم باشد و هم مدعی باشد، هم از طرف مدعی علیه حرف بزند و هم حکم صادر کند و هم اجرا کند!! البته ما حرفشان را قطع نمی کنیم؛ بیایند اینجا آن دو دقیقه را اینجا حرف بزنند. همین خواهرمان هم به او احترام می گذاریم. شب های چهارشنبه تشریف بیاورند ما پنج دقیقه، ده دقیقه وقت می دهیم این خواهر عزیزمان بیاید حرف هایش را بزند؛ فحش هم خواست به ما بدهد، بدهد؛ ما هیچ حرفی هم نداریم این را بارها گفتیم.

اگر این ها بیایند هزار بار به ما فحش بدهند یقین بدانند یک فحش از ما نخواهند شنید. هزار بار ما را تهدید بکنند عکس العملی از ما نخواهند دید. این را یقین داشته باشند. نه این که بخواهیم فرض یا بترسیم یا ملاحظه کنیم نه، مکتب ما اهل بیت، به ما این طوری دستور داده اند.

علی ای حال خدایا تو را قسمت می دهیم به آبروی محمد و آل محمد صلواتک علیهم اجمعین فرج مولای ما بقیه الله اعظم نزدیک نموده و ما را از یاران آن بزرگوار قرار بده.

رفع گرفتاری از گرفتاران بفرما. حوایج حاجتمندان روا نما. خدایا قرض مقروضین ادا نما. استاد بزرگوار ما حضرت آیت الله شاه آبادی خدایا به آبروی حضرت زهرا شفای عاجل کرم نما. خدایا دعاهای ما را به اجابت برسان.

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

**مجری:**

ممنونیم حاج آقا از این فرصتی که به ما و بینندگان عزیز دادید. از همه همکاران عزیزم که لطف کردند این برنامه را تدارک دیدند بسیار سپاسگزارم. از شما ببینده عزیز هم که تا این لحظه همراهی کردید بسیار بسیار سپاسگزاریم. ان شالله تا دیداری دیگر خداوند یار و نگهدار شما عزیزان باشد.